

مریم رجوی: توهم اصلاح طلبی ملایان باید کنار گذاشته شود  
کنفرانس سیاست در قبال ایران بعد از توافق هسته‌ای در پارلمان اروپا

۱۲ اسفند ۱۳۹۴

آقای ژرار دپره رئیس گروه دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا!  
نمایندگان محترم!

از حضور در خانه دمکراسی اروپا خوشوقتمو از توجه شما به موضوع نقض حقوق بشر در ایران و مقاومت مردم ایران سپاسگزارم.

هفته گذشته نمایش انتخابات در ایران برگزار شد. یک انتخابات بدون اپوزیسیون، که در واقع رقابت میان مسئولان کنونی و مسئولان سابق شکنجه و اعدام بود. اما همین نمایش، از چند بابت اهمیت داشت:

نخست اینکه، تمام‌کاندیداها، از قبل وفاداری و خدمتگزاری خود را به ولی فقیه و سرکوب و تروریسم و جنگ‌افروزی ثابت کرده بودند. در واقع همه آنها سرو ته یک کرباسند. به‌عنوان مثال در فهرست کاندیداهاى مورد حمایت جناح باصلاح معتدل، وزیر اطلاعات کنونی و سه وزیر اطلاعات سابق بودند که هریک مدت‌ها این وزارت آدم‌کشی و جاسوسی را اداره کرده‌اند.

در بین آنها همچنین یک قاضی شرع آخوندی دیده می‌شد که شخصاً دستور حکم سنگسار صادر کرده و بر آن نظارت داشت. فیلم این جنایت هولناک توسط مقاومت ایران قبلاً افشا شده است. بنابراین، دو جناح رقیب بر سر دیدگاه‌هایشان اختلاف نداشته و ندارند، بلکه بر سر تصاحب قدرت، در جدال با هم هستند.

واقعیت دیگر اینکه به‌رغم فراخوان تمام جناح‌ها، اکثریت مردم ایران از رأی دادن خودداری کردند و آخوندها با وجود همه ادعاها و نمایشها نتوانستند بی‌اعتنایی مردم، به‌ویژه جوانان را به این نمایش بیوشانند. آنها به حدی از قیام مردم نگران بودند که انتخابات خود را به‌گفته وزیر کشور، زیر کنترل یک میلیون مأمور امنیتی برگزار کردند.

دیگر اینکه ما از قبل گفته بودیم که مالاها دچار یک بحران سیاسی هستند. نمایش انتخابات، این واقعیت را بارز کرد که تعادل درونی رژیم علیه ولایت فقیه به‌هم خورده است.

به‌عبارت دیگر این انتخابات، شکاف بزرگی در راس رژیم را نمایان کرد که بنیانهای آنرا هر چه بیشتر متزلزل کرده است. در عین حال این رژیم، راهی به سوی اعتدال و گشایش ندارد. همه باندهای آن، از جمله رفسنجانی و روحانی و کسانی که با آنها به مجلس ملایان راه یافته‌اند، در سرکوب و صدور تروریسم و غارتگری مشترک هستند.

هشت سال ریاست جمهوری رفسنجانی با سرکوب وحشیانه قیامهای مردمی و ترور اعضای اپوزیسیون در خارج را به‌یاد داریم.

او و اعضای دولتش هنوز از طرف قضایه آلمان و سوییس و آرژانتین تحت تعقیب هستند. دوران روحانی را هم که با 2300 اعدام و تشدید کشتار مردم سوریه از نزدیک ملاحظه می‌کنید. علاوه بر اینها ولایت فقیه با اتکای سپاه پاسداران، دست از قدرت برنمی‌دارد و هر گونه تغییر راه به سرنگونی رژیم می‌برد. در نتیجه کلیت رژیم را، بیشتر دچار تزلزل و فلج‌شدگی خواهد کرد.

همچنین باید تأکید کنم نتایج انتخابات چیزی را در زندگی سیاسی و اقتصادی مردم ایران عوض نمی‌کند. و برنده جدی، در درون رژیم ندارد. بعد از برجام نیز برخلاف انتظار برخی‌ها در غرب، رژیم صدها تن را اعدام کرده است. دستگیری خانواده‌های مجاهدان لیبرتی و آزار خبرنگاران، وکلا و پیروان مذاهب مختلف و جوانانی که از ملیت‌های تحت ستم هستند، با شدت ادامه دارد.

از سوی دیگر مانورهای موشکی و آزمایش موشک‌های بالستیک همچنان ادامه دارد و رژیم رسماً اعلام کرده است که ما به قطعنامه‌های سازمان ملل از جمله قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد متعهد نیستیم. در سطح منطقه نیز در سایه بی‌عملی غرب، ملاحه دخالت تجاوزکارانه در سوریه و کشتار مردم بی‌دفاع این کشور را افزایش داده‌اند. آخوندها دست کم، شصت هزار پاسدار و مزدور به سوریه فرستاده‌اند. در حالیکه بمبارانها را هواپیماهای روسیه انجام می‌دهند، سپاه پاسداران نیروی زمینی اصلی این جنگ هولناک است.

آنها با بی‌رحمی تمام غیرنظامیان را کشتار می‌کنند،

از بیماران یا دانش‌آموزان مدارس هم نمی‌گذرند،

مناطق مسکونی را محاصره و ویران می‌کنند،

میلیون‌ها نفر را آواره کرده‌اند و یک نسل کشتی گسترده به راه انداخته‌اند.

طنز تلخ را بنگرید، رژیم ایران با پولهایی که غرب در اثر رفع تحریم در اختیارش گذاشته، از متحدانش برای رژیم اسد سلاحهای پیشرفته می‌خرد و با کشتار مردم سوریه با همین سلاحها، موج پناهندگان را روانه همان کشورهای غربی می‌کند.

مردم ایران از این حمام خون که پاسداران در سوریه به راه انداخته‌اند، بیزارند.

همزمان، رژیم ایران یک سیاست دوگانه در پیش گرفته است. این رژیم در حالیکه عامل اصلی بی‌ثباتی منطقه است مدعی دیپلماسی و گفتگو برای حل معضلات منطقه است. این یک فریب بزرگ است.

کشتار در سوریه بخشی از استراتژی بقای رژیم است. اما در عین حال به مثابه باتلاقی برای رژیم است.

با این همه اتحادیه اروپا در دو سال و نیم اخیر، یک موضع منفعلانه نسبت به نقض حقوق بشر در ایران و مشارکت رژیم در قتل عام مردم سوریه اتخاذ کرده است.

از جانب مقاومت ایران هشدار می‌دهم که فقدان یک سیاست قاطع نسبت به نقض حقوق بشر در ایران، آخوندها را به ازسرگیری برنامه بمب‌سازی اتمی و تشدید جنگ‌افروزی‌های خارجی و به خصوص کشتار مردم سوریه ترغیب می‌کند.

دوستان عزیز!

اجازه بدهید سخنانم را با تأکید بر چند نکته به پایان ببرم از نمایندگان پارلمان اروپا که مدافعان صلح، دموکراسی و حقوق بشر هستند، برای تحقق آنها کمک بخواهم.

بخش مهمی از سیاست جنایت‌کارانه این رژیم علیه مردم ایران، حملات علیه مجاهدان در لیبرتی است. موشک‌باران 7 آبان لیبرتی، توسط عوامل این رژیم در عراق، 24 شهید به جای گذاشت.

از پارلمان اروپا می‌خواهم از اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو بخواهد تعهدات‌شان نسبت به تأمین امنیت و حفاظت لیبرتی را به انجام برسانند.

دولت‌های غرب باید معاملات و روابط خود با این رژیم را، به توقف اعدام‌ها و آزادی زندانیان سیاسی منوط کنند.

تراژدی سوریه و بحران عراق و بی‌ثباتی خاورمیانه، هنگامی راه‌حل پیدا می‌کند که قبل از هرچیز، سپاه پاسداران از این کشورها اخراج شود. خطرناک‌ترین کار، دخالت دادن رژیم ایران در مساله سوریه است.

توهم اصلاح طلبی ملایان باید کنار گذاشته شود. ما همیشه گفته‌ایم، افعی کبوتر نمی‌زاید. از درون ملاها اصلاح‌طلب بیرون نخواهد آمد و سرانجام اینکه در قلب یک سیاست صحیح نسبت به ایران، بی‌گمان احترام به اراده مردم ایران برای کسب آزادی و دموکراسی قرار دارد.

از همه شما متشکرم